

درآمدی بر مبانی الگوی اسلامی پیشرفت با الهام از ویژگی‌های جامعه عصر ظهور

حسن صالحی*
حسین سرآبادانی**
مهدی یوسفیان***

چکیده

یکی از عناصر محوری در تمدن‌سازی، تبیین نوع نگاه به مقوله توسعه و ارائه مسیر تحقق آن است. به همین دلیل در سال‌های اخیر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مورد توجه مسئولان و پژوهشگران قرار گرفته است. به رغم ظرفیت‌های بی‌بدیل اندیشه مهدویت در نظام فکری اسلام و طراحی مسیر انقلاب اسلامی برای رسیدن به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام؛ تاکنون اندیشه مهدویت در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بسیار مغفول مانده است. از منظر آیات و روایات، از جامعه‌ای پیش‌رو و متکامل و صف‌هایی شده است که از آن به عنوان جامعه عصر ظهور یاد می‌شود. شناسایی عناصر این جامعه متکامل و پیشرفته از منظر اسلامی، موجبات طراحی یک الگوی توسعه و پیشرفت متناسب با فرهنگ اسلامی و رسالت انقلاب-اسلامی را فراهم می‌آورد. در این مقاله کوشیده‌ایم با بررسی ابعاد و ویژگی‌های جامعه عصر ظهور، از آن به عنوان مبنایی جهت تبیین ابعاد پیشرفت اسلامی بهره‌بریم. روش پژوهش استدلالی-استنتاجی و با بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد؛ بدین صورت که بعد از بررسی و واکاوی مجموعه منابع و وصف‌هایی که در زمینه جامعه مهدوی طرح گشته است، به ارائه یک مدل منسجم شامل اصول نظری (پیش فرض‌ها)، راهبرد کلان و راهبردهای کاربردی برای پیشرفت پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: الگوی پیشرفت، جامعه عصر ظهور، مهدویت، جامعه منتظر، استراتژی انتظار.

* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه السلام
Ha.saleh@chmail.ir.
** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه السلام
87sarabadani@gmail.com.
*** عضو هیأت علمی مرکز تخصصی مهدویت
Mahdi252@chmail.ir.

مقدمه

الگوی اسلامی، به نوعی قطب‌نمای حرکت پیشرفت کشور در مسیر پر پیچ و خم جامعه اسلامی است که در تلاش برای هدایت و راهنمایی مسیر اجتماع از وضع موجود به وضع مطلوب است. مقام معظم رهبری در این زمینه در بیانی رسالت این الگو را چنین بر می‌شمرند:

الگوی اسلامی یعنی یک نقشه جامع، بدون نقشه جامع دچار سردرگمی خواهیم شد... این الگو به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت و برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم... (بیانات مقام معظم رهبری، دی‌ماه ۱۳۸۹).

این الگو به عنوان نقشه جامع تعالی کشور، بر مبنای آموزه‌های اسلامی و با توجه کامل به مقتضیات و شرایط کشور می‌باشد (شورای راهبردی الگوی پیشرفت، ۱۳۹۲: ۱). انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون در مسیر رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی‌اش هر چند در برخی از حوزه‌ها از موفقیت نسبی برخوردار بوده؛ در برخی از حوزه‌ها همچنان با چالش‌های متعددی مواجه است که به راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از آن‌ها نیاز دارد. به طور مثال، فتح قله‌های علم و دانش در بسیاری از حوزه‌های مهندسی، پزشکی و صنایع نظامی، برخی از مشکلات گذشته کشور در این حوزه‌ها را مرتفع ساخته است؛ اما از سوی دیگر کشور همچنان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی با مشکلات متعددی نظیر بیکاری، تورم، وابستگی گسترده به درآمدهای نفتی، سیستم مالیاتی ضعیف، محیط کسب و کار نامناسب، توزیع نامناسب درآمد و مسایل زیست‌محیطی مواجه است که باعث می‌شود کارآمدی دستاوردهای علمی در کشور کمتر نمایان گردد. همچنین، هر چند کشور طی سالیان اخیر از اسناد بالادستی‌ای نظیر سند چشم‌انداز، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و انواع سیاست‌های کلی بهره‌مند بوده است؛ همچنان به نظر می‌رسد حلقه مفقوده دیگری در سطح حکمرانی کشور وجود دارد که باعث می‌گردد بدون وجود آن، این اسناد بالادستی نیز از کارآمدی لازم برای رفع چالش‌های اجتماعی و اقتصادی برخوردار نباشند. در کنار مسائل مذکور، سرعت بالای تغییرات اجتماعی و اقتصادی در عرصه بین‌المللی، به ویژه در منطقه خاورمیانه و مأموریت ذاتی انقلاب اسلامی ایران در ایجاد هویت‌های اجتماعی نوین مبتنی بر

آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام نیاز به تولید چنین الگوی حکمرانی را دوچندان می‌کند (بیگامی و حسینی، ۱۳۹۱: ۷۴).

از طرفی ظرفیت‌های بی‌بدیل اندیشه مهدویت، ارائه‌کننده مؤلفه‌های الگوی پیشرفت در نقطه غایی آن محسوب می‌شود. در لسان آیات و روایات، ویژگی‌هایی برای جامعه عصر ظهور طرح گردیده است که آن را به عنوان یک جامعه الگو، بی‌بدیل می‌سازد. طرح این ویژگی‌ها، صرفاً از روی خلق ذوق و اشتیاق برای آرزوی چنین جامعه‌ای از سوی مردم نبوده است؛ بلکه مراد اصلی از طرح آن، الگوگیری از این جامعه نمونه و تلاش به حد وسع خود برای تحقق آن بوده است. اندیشه‌ای که امام راحل علیه‌السلام بر اساس آن، انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز حکومت عدل‌گستر مهدی علیه‌السلام تلقی کرد. لذا هر الگویی از پیشرفت، باید با الهام-گیری از مؤلفه‌های جامعه مهدوی طراحی گردد و به اندیشه مهدویت، به عنوان یکی از منابع اصلی طراحی الگو نگریسته شود.

البته هر چند این عدم تعادل میان پیشرفت‌های رخ داده در حوزه‌های فیزیکی و انسانی و عدم یک الگوی حکمرانی مناسب مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی از یک منظر نشان‌دهنده ضعف‌های اساسی کشور در حوزه علوم انسانی و ناکارآمدی سیاست‌های پس انقلاب در تولید متخصصان علوم انسانی مبتنی بر نیازها و مسائل انقلاب اسلامی است؛ از سوی دیگر می‌توان آن را گذاری همانند گذارهایی دانست که سایر ملل دنیا در طول تاریخ پیشرفت خود با آن مواجه بوده‌اند. بنابراین، بایستی بیش از آن که نسبت به عدم چنین تعادلی در کشور نگران بود، نسبت به ضرورت توجه به این مهم، در این مقطع تاریخی توجه داشت. معارفی چون معارف مهدوی، از پتانسیل بالایی در جهت بسط این الگو برخوردار هستند.

بی‌شک ریشه اصلی چنین عدم تعادلی در کشور در عدم توجه به وجود ذخیره معرفتی همچون اندیشه مهدویت است که نتیجه آن عدم هرگونه الگوی لازم جهت تمشیت و تدبیر امور به سمت غایات مطلوب انقلاب اسلامی است. بسیاری از مسائل این الگوی پیشرفت، مسائل عمومی برای مردم شرق و غرب عالم است. به طور مثال، مفهوم عدالت هم در جهت‌گیری‌های انقلاب اسلامی و هم در اندیشه مدرن غربی همواره از جایگاهی ممتاز

برخوردار بوده و به عنوان واحد تحلیل مورد توجه قرار گرفته است (کونو، ۲۰۰۳: ۱). این در حالی است که در اندیشه اسلامی و به تبع معارف مهدوی، این مفهوم از جایگاه و تعریفی متفاوت در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی برخوردار است (بیغامی و حسینی، ۱۳۹۲: ۱۷). به نظر می‌رسد این مسئله همان نکته‌ای است که بارها از سوی مقام معظم رهبری در خصوص تفاوت نرم‌افزاری تمدن‌سازی اسلامی با تمدن مغرب زمین در عین استفاده از تجربیات کشورهای غربی مورد تأکید قرار گرفته است.^۱

در سالیان اخیر به موضوع الگوی پیشرفت توجه ویژه‌ای شده و بر این اساس مطالعات زیادی صورت پذیرفته است که بعضاً خالی از ایراد نیز نبوده است.^۲ در میان همه این فعالیت‌ها که در تلاش جهت تبیین مفاهیم پایه‌ای این حوزه و ارائه ارکان و اصول آن در عرصه‌های متنوع پیشرفت بوده‌اند، کم‌تر به طور مستقیم به اندیشه مهدویت به عنوان یک ظرفیت بی‌بدیل در این ساحت توجه مبذول داشته‌اند که به نظر عجیب می‌آید. رسالت اصلی انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی برای حکومت جهانی اسلام به امامت حضرت حجت‌العلی است و بر این مبنای یکی از ارکان اصلی طراحی الگوی مطلوب و ترسیم وضع برون‌رفت از وضع موجود، توجه به معارف مهدوی و به تبع ویژگی‌هایی است که در لسان آیات و روایات، به جامعه مهدوی اشاره دارد. هر آن‌که با عزم و اراده حرکت می‌کند، طرح و تصویری از مسیر و مقصد در اندیشه دارد. شوق انتظار جان‌مایه حرکت برای گذر از وضع موجود به سوی وضع مطلوب است. حرکتی که باید با شناسایی مقصد آغاز گردد و بدان سو متمایل شود. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام به عنوان ثمره مجاهدت‌ها و تلاش‌های همه انبیای الهی و اجد مولفه‌ها و مشخصاتی است که فطرت انسانی آن را می‌پذیرد و تشنه آرمان‌ها و اهداف چنین حکومتی است.

۱. به طور مثال رجوع کنید: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹، www.khamenei.ir
 ۲. ر.ک: مجموعه کتاب‌های سه کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سال‌های ۸۹ تا ۹۲.

بیان مسئله

ارائه تصویر آینده انسان و جهان از منظر اسلامی، در گرو توجه به ویژگی‌های جامعه‌ای است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با قیام خود برپا خواهد کرد. سیمای عصر ظهور ما را به فهم تصویری واقعی و البته آرمانی از آینده رهنمون می‌کند. انسان و اجتماعات بشری در عصر حاضر دارای مسائل بیشماری است که تنوع و چندگانگی آن مسائل به تنوع ابعاد وجود انسان و حیات او بستگی دارد. این مسائل از موضوعات بلند ماورای طبیعت آغاز شده و تا مسائل ملموس اقتصاد، سیاست و تربیت و جامعه ادامه یافته است. مسائلی که بشر نتوانسته چاره‌ای برای آن بیابد.

جامعه مهدوی، الگوی بصیرت بخشی است که بشر را به هدف آفرینش و فلسفه خلقت متوجه کرده و او را به سوی غایت خویش رهنمون می‌کند. فکر در باب جامعه مهدوی و تصور آن دوران، انسان را به وضع کنونی و امیدوار برای بهبود وضعیت فعلی معترض نگه می‌دارد و برای فرد و تکامل برای فرهنگ جامعه تعادل روحی و روانی ایجاد خواهد کرد. انسانی که وضع خوب را تصور و بعد تخیل نکند؛ تعادل روانی خود را از دست می‌دهد.

ضرورت دیگر پرداخت به جامعه مهدوی از این منظر است که جامعه منتظر و زمینه ساز باید در مقام جهت‌گیری کلان برای رشد جامعه فعلی خود، نقطه آخرین، یعنی جامعه مهدوی را ترسیم و تصویر و بعد وضع فعلی خود را بر اساس آن تحلیل کنیم. جامعه سازی به الگویی نیاز دارد و آن الگو در نگاه ما به آینده متعلق است و در گذشته یافت نمی‌شود. بنابراین، با ریز شدن در جزئیات درباب جامعه مهدوی باید به سمت الگوگیری از آن جامعه الهی باشیم. با ذکر این توضیحات در جمع‌بندی باید گفت احصای کامل و منسجم مولفه‌های جامعه عصر ظهور برای ارائه الگو جهت کمک به تدوین الگوی اسلامی پیشرفت، موضوع تحقیق حاضر می‌باشد.

مبانی نظری پرداخت به جامعه عصر ظهور

قبل از ورود مستقیم به توضیح ابعاد و مولفه‌های مدل لازم است توضیحاتی اجمالی حول مبانی نظری تحقیق در این حوزه بیان کنیم:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه برای اجرای رسالتی بزرگ و عالم‌گیر و پر ژرفایی ذخیره گشته است و

حقیقت و عظمت برنامه‌های او جز پس از ظهور آشکار نخواهد شد؛ لیکن می‌توان از خطوط کلی حرکت و قیام ایشان بر اساس روایات اسلامی سخن گفت. نیز از آن‌جا که مبانی جامعه مهدوی در عقل و نقل ریشه دارد، تصویری بر اساس منابع دیگر دینی، به خصوص قرآن کریم از چنین جامعه‌ای امکان پذیر است.

بخش عظیمی از روایات، به قبل از برپایی جامعه مهدوی مربوط است و لذا روایات کم‌تری از ویژگی‌های عصر ظهور داریم. با این حال، تصویری که قرآن و روایات از آن جامعه عصر ظهور برای ما نشان می‌دهد، می‌تواند محمل خوبی برای ورود در عرصه تصویرپردازی الهی باشد. موعود شیعه هم شخصیت است و هم وضعیت؛ بدین معنا که ما بر اساس متون دینی تنها در انتظار یک شخصیت به سر نمی‌بریم؛ بلکه باید در جست‌وجوی نوعی وضعیت نیز باشیم (بابائی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). بدون آگاهی از آن وضعیت، پرسش از چیستی و چگونگی انتظاری که به سر می‌بریم، بی پاسخ می‌ماند.

روایات مربوط به در این موضوع از دو جنبه حائز اهمیت است:

۱- این روایت به طور قطعی از تحقق آرمان‌های مهم دینی و انسانی همچون توحید، عدالت و بسط اخلاق و معرفت خبر می‌دهند.

۲- تحقق هریک از این آرمان‌ها لوازم، مقدمات و آثاری به همراه دارد که تأمل در آن‌ها ما را به سوی ویژگی و مشخصه‌های دیگر از جامعه مهدوی راهنمایی می‌کند (همان: ۲۱۱). این ویژگی‌ها از طرفی برای نقد و بررسی وضعیت فعلی جامعه ما معیارهای لازم را فراهم می‌کند و از طرف دیگر به عنوان الگویی الهام بخش می‌تواند در جهت‌گیری و سیاست‌گذاری یک جامعه دخیل باشد.

در باب چگونگی پرداخت به این جامعه نکته‌ای ضروری است و آن این که روایات مربوط به جامعه مهدوی دارای محدودیت است؛ بدین معنا که تمام ابعاد آن بیان نشده است؛ اما می‌توان جامعه مهدوی را جامعه‌ای که دانست که در تعالیم و حیانی ریشه دارد.

نکته دیگر آن که شناخت عصر ظهور نسبی است (مجتهدی، ۱۳۸۵: ۲۲). کسی که خود در غیبت زاده شده و در آن به سر برده است، چگونه می‌تواند روزگار پرشکوه ظهور را آن گونه که

واقع می‌شود، ترسیم کند؟

امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

شناخت آن روزگار، آن گونه که خواهد بود برای شما ممکن نیست تا این که آن دوران را ببینید (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲: ۳۶۶).

این توضیحات از آن نظر لازم است که اگرچه در این تحقیق به اقوالی در وصف جامعه عصر ظهور اشاره شده است که مورد قبول اکثر علما و دارای اسناد معتبر می‌باشد؛ عصر ظهور، عصر بروز تحولات گوناگون در تمام ابعاد هستی است و شناخت آن برای کسانی که رایحه‌ای از آن فضا را استشمام نکرده‌اند، دشوار است.

با این اوصاف در این پژوهش با استفاده از روش استدلالی-استنتاجی و با بررسی اسنادی-کتابخانه‌ای مدلی طراحی گردیده است که از نظر انسجام و کامل بودن مولفه‌ها منحصر به فرد می‌باشد.



۴. درآمدی بر الگوی اسلامی پیشرفت با الهام از ویژگی‌های عصر ظهور

تاکنون از ابعاد مختلفی برای جامعه عصر ظهور ویژگی‌های مختلفی ذکر شده است. اما هدف تحقیق حاضر ارائه فهرست جدیدی از این ویژگی‌ها نمی‌باشد؛ بلکه در قالب یک مدل منسجم و همه جانبه سعی شده است تا راهبردهایی کاربردی برای ایجاد الگویی اسلامی از پیشرفت با توجه به ویژگی‌های عصر ظهور طراحی و تبیین شود.

آنچه تحقیق حاضر را منحصر به فرد و متمایز می‌کند همین ایجاد ارتباطی معنادار بین ابعاد مختلف و مؤلفه‌های مذکور می‌باشد. لذا این مدل از سه بخش اساسی تشکیل شده است: اصول نظری (پیش فرض‌ها)، راهبرد کلان و مؤلفه‌های اساسی. در ادامه به تبیین ابعاد مختلف این سه بخش اساسی می‌پردازیم و در نهایت شکل کامل مدل را ارائه خواهیم کرد:

۴-۱. اصول نظری

این مدل دارای چارچوب نظری خاصی است. به عبارت دیگر، مدل حاضر در فضای نظری خاصی بیان شده است که اگر این فضا درست فهم نشود، فهم کل مدل نیز ممکن نخواهد بود.

چارچوب نظری یا همان پیش فرض‌ها، مانند روحی بر تمام مدل اثرگذار است و به نوعی در مدل، هر کدام از آن‌ها به طور مجزا بر تمام مدل سایه نظری افکنده است. چارچوب نظری، دارای سه اصل اساسی است که سایر اجزای مدل در آن‌ها ریشه دارد که به عنوان پایه‌ی مدل و پیش فرض‌های نظری استخراج مولفه‌ها می‌باشند:

۴-۱-۱. اصل اول ظهور؛ سرآغاز فرایند تکامل نهایی

تصویر ما از جامعه مهدوی نباید به شکل نقطه‌ای باشد؛ بدین شکل که جامعه مهدوی را نقطه پایانی و غایی بشر انگاریم که از آن‌جا به بعد سکون و توقف حکفرما باشد و یا دوران آغاز احساس ملامت و یکنواختی و سردی بپنداریم. چنین تصویری خلاف آن جامعه الهی است.

جامعه مهدوی آغاز حرکت اصلی انسان است، نه پایان کار، و این خُسن مهم آرمان‌های اسلامی است. به تعبیر شهید مطهری، در هر مکتبی وقتی آرمانش محقق شود، دیگر کار آن مکتب تمام می‌شود و می‌میرد؛ اما انسانی که نبردهای با باطل را به اتمام رسانده، هنوز اصل «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» جلو چشمش خودنمایی می‌کند. او که نقص‌ها را برطرف کرده، تازه در ابتدای سیر صعودی خود است که باید بالا رود و این سیر، منتها و نهایت ندارد و هرچه بالا رود، در دستگاه هستی برای او امکان بالاتر رفتن هست و شاید فلسفه رشد فوق‌العاده علمی و معنوی مردم در عصر ظهور همین نکته باشد (سوزنچی، ۱۳۸۳: ۷۰).

جامعه مهدوی نقطه آغازی برای حرکت بشر بوده و مسیر تعالی و رشد حقیقی در آن دوران تازه نمایان شده و آرمان‌ها و نیازهای بشر ارتقا می‌یابد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

ما مکرر عرض کردیم که همه حرکتی که بشر در سایه‌ی تعالیم انبیا علیهم‌السلام در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جاده اسفالت‌ه عریضی است که در دوران حضرت مهدی علیه‌السلام به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد. مثل این که یک جماعتی از انسان‌ها در کوه و کمر و راه‌های دشوار و باتلاق‌زارها و خارستان‌ها با راهنمایی‌های کسانی همین طور حرکت دارند می‌کنند تا خودشان را به آن جاده اصلی برسانند. وقتی به جاده اصلی رسیدند، راه باز است؛ صراط مستقیم روشن است؛ حرکت در آن آسان

است؛ راحت در آن راه حرکت می‌کنند. وقتی به جاده اصلی رسیدند، این‌جور نیست که حرکت متوقف بشود؛ نه، تازه حرکت به سمت اهداف والای الهی شروع می‌شود؛ چون ظرفیت بشر یک ظرفیت تمام‌نشده است. در طول این قرون متمادی، بشر از کج‌راه‌ها، بیراهه‌ها، راه‌های دشوار، سخت، با برخورد با موانع گوناگون، با بدن رنجور و پای مجروح شده و زخم‌آلود، در بین این راه‌ها حرکت کرده است تا خودش را به این جاده اصلی برساند. این جاده اصلی همان جاده زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشر به یک معنا از آنجا شروع می‌شود. (دیدار با استادان و دانش‌پژوهان حوزه مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

ذکر این نکته نیز مهم است که وقتی از جامعه مهدوی به عنوان جامعه اخلاق و عدالت و برپایی قانون الهی سخن می‌گوییم، منظور آن نیست که همه یک شکل و یک نوع و یک اندازه اند و تفاوت و تنوعی نیست. دولت او، دولت عاشقی و عدل جهانی است و درعین حال حکومت کلیشه‌ها نیست؛ شهر مهدوی شهر کلیشه‌ها نیست؛ شهر آدمک‌های چوبی، هم‌شکل و هم سلیقه نیست (رحیم‌پور، ۱۳۸۸: ۴۸).

۴-۱-۲. اصل دوم واقعی بودن آرمان جامعه مهدوی

جامعه آرمانی در منظر شیعه، در عین حال که دارای افقی ورای وضع کنونی بشر است، آرمان‌گرایی به معنای خیال بافی نیست. از دل واقع بینی به افق آرمانی بشر می‌نگرد و در جست‌وجوی آن بر می‌آید.

نکته مهمی در آموزه‌های اسلام هست و آن این‌که تمام آرمان‌هایی که در اسلام مطرح شده، واقعی و عینی و دست‌یافتنی هستند. مکاتب جدیدی که چند قرن اخیر در جهان غرب پیدا شده و آرمان‌هایی را مطرح کرده‌اند، به طور عمده معترف بوده‌اند که آرمان آن‌ها از نوع ایده‌آل است و توصیه آن‌ها برای رسیدن به آن آرمان، صرفاً توصیه روشی است؛ یعنی بکوشید حتی‌الامکان به آن سمت و سو بروید؛ هر چند معلوم است که آن آرمان، سرانجام، دست‌نیافتنی است. در واقع مدینه‌های فاضله آن‌ها، اتویایی نبوده که واژه ایده‌آل ترجمه دقیقی از آرمان آن‌ها است؛ اما آرمان‌های اسلامی، صرفاً ایده‌آل و غیر عینی نیست. اسلام، انسان را تا حدّ خلیفه

اللہی می‌خواهد و قبل از هر چیز نمونه آن را (پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علیؑ) به جامعه بشری عرضه می‌کند تا بدانند این آرمان، به وسیله انسان‌ها دست یافتنی است. به همین ترتیب، اگر از ما می‌خواهد جامعه‌ای با عدالت کامل در دنیا برقرار کنیم، تحقق آن را نیز امری واقعی می‌داند، نه صرفاً همچون آرمانی دست نیافتنی (سوزنجی، ۱۳۸۳: ۶۸).

۴-۱-۳. اصل سوم نوع شناسی تحولات جامعه مهدوی (نشئه‌ای بودن تحولات)

درباره عصر ظهور، به روایاتی برمی‌خوریم که در آن از پدیده‌های عجیب و غیر قابل شناخت چون طلوع خورشید از مغرب، طولانی شدن روزها، دیده شدن برادر مومن در مشرق توسط برادر مومن در مغرب و... خبر داده شده است. برخی این‌گونه تعبیرات در روایات را مجاز از تکنولوژی معاصر دانسته و برخی این پدیده‌ها را معجزه‌های از جانب امام عصرؑ تلقی می‌کنند. در این میان علامه طباطبایی کلامی دارند که علاوه بر این که پاسخ‌گوی این پرسش است، می‌تواند برای تأمل در جامعه مهدوی از این منظر راهنما باشد. ایشان در ذیل آیات ۲۱۰-۲۱۲ سوره بقره در این باب آورده‌اند:

در بسیاری از روایات ذیل برخی از آیات به این مسئله برمی‌خوریم که ائمه معصومین علیهم‌السلام در تفسیر مقطعی گاه آن را به قیامت، گاه به رجعت، گاه به ظهور مهدی آل محمد ﷺ تفسیر کرده‌اند و این تفسیر می‌رساند که یک نحو سنخیت و مناسبتی بین این سه روز موجود است. لذا ظهور و رجعت و قیامت، سه مرتبه از یک حقیقت واحد است که دارای شدت و ضعف است و هرچه به سمت قیامت حرکت می‌کنیم، نشئات تجلی حق کامل‌تر است. روز ظهور مهدی ﷺ همچون رجعت و قیامت، روزی است که حق جلوه‌گر می‌شود، هرچند ظهورش از ظهور رجعت و قیامت ضعیف‌تر است. از اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده که ایام الله سه روز است: روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت (طباطبایی، ۱۳۴۶، ج ۳: ۱۵۳ و ۱۵۴).

در نگاه علامه طباطبایی، «ظهور» سرمنشأ تحولات بنیادین در جوهر هستی است و به عنوان مرتبه‌ای از مراتب عالم به سوی کمال معنادار است. بنابراین، داشتن انتظار تحولات اساسی و گسترده در ساحت عالم، انتظاری بی‌جا نبوده و با ویژگی‌های آن عالم متناسب است. قابل ذکر است که این نوع نگاه نوآوری علامه طباطبایی و نگاه خاص ایشان است.

۴-۲. راهبرد کلان زمینه‌سازی

آنچه به عنوان راهبرد کلان در این مدل ارائه می‌شود «راهبرد کلان زمینه‌سازی» است. بدین معنی که باید از وضع فعلی حرکت کرد و با الگویی مدون که می‌تواند همان الگوی اسلامی پیشرفت باشد، به سمت جامعه مهدوی پیش رفت. این یک ضرورت است. آنچه شفیع سروسرانی آن را «استراتژی انتظار» نامیده است (۱۳۸۴). جایگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دقیقاً همین جاست؛ یعنی الگویی جهت تحقق راهبرد کلان زمینه‌سازی.

حال برای این زمینه‌سازی چه باید کرد؟ راهبردهای کاربردی بخش سوم مدلی که در ادامه می‌آید؛ پاسخ به این سوال است. راهبرد کلان جامعه منتظر در دوران غیبت، جهت تعالی مبتنی بر تعریف اسلامی آن، راهبرد زمینه‌سازی است. زمینه‌سازی صرفاً مقوله‌ای فردی ناظر به یک فرد یا شخص منتظر نیست؛ بلکه در ساحت اجتماعی نیز جلوه‌های خاص خود را دارد و تمام عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جامعه دربرمی‌گیرد. براساس چنین راهبردی، دولت زمینه‌ساز نیز قابل تعریف و تحلیل است. آنچه بیش از پیش تأثیر راهبرد زمینه‌سازی را بر پیشرفت کشور دوچندان می‌کند، آن است که نفوذ و گستره تأثیرگذاری این راهبرد در جامعه بی‌بدیل است؛ چرا که از طرفی بر آمادگی‌های فردی یک فرد منتظر از منظر اسلامی تأکید دارد و از سوی دیگر گستره آن تمام ساحت‌های اجتماعی را درمی‌نوردد.

۴-۳. راهبردهای کاربردی پیشرفت با الهام از جامعه عصر ظهور

در نظام مهدوی، پیشرفت بر خلاف مدل‌های رایج سطحی، تک بعدی یا منحصر به رفاه دنیایی نیست، بلکه راه و سیاستی است که با احکام و قوانین الهی آمیخته است و با محوریت مدیریت الهی صورت می‌گیرد. ظهور نقطه عطف تاریخ و روز ثمر دادن جامعه بشری است. بشر که تشنه آرمان‌های چنین رخدادی بوده است؛ در سرور به سر برده و ابتهاج معنوی وجود او را فرا می‌گیرد. تحولات و انقلاب‌های درونی و بیرونی در ساحت فردی و اجتماعی انسان، از علم و آگاهی و عقلانیت تا عدالت و آبادانی گسترده و تا معنویت و رشد انسان را در بر می‌گیرد. در این مدل چهار راهبرد کاربردی از ویژگی‌های جامعه مهدوی احصا شده است..

۴-۳-۱. رشد عقلانیت و آگاهی عمومی

در عصر ظهور، عقل آدمیان چون گنجی نهفته آشکار گشته و شکوفه می‌دهد. انسان از جهت عقلانیت رشد کرده و عقول مردم زیاد می‌گردد. رشد در عقلانیت، هم شامل عقلانیت ابزاری و عقل معاش آدمیان می‌شود و هم شامل عقلانیت ارزش و عقل معاد انسان. عصر ظهور، عصر گستردگی حوزه عقلانیت و علم در تمام سطوح آن است. مهم‌ترین ره آورد عصر ظهور به یک معنا «کمال عقل آدمی» است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

آنگاه که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان خواهد گذاشت، عقل‌های آن‌ها را جمع و تفکرشان را کامل خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۶).

۴-۳-۲. فهم پذیرش ولایت ولی‌الله (انسان کامل)

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های آن دوران، ظهور حاکمیت ولایت الهی بر روی زمین است. آثار این ولایت عبارتند از: تحقق عدالت، امنیت و حتی تحقق رفاه عمومی. بنابراین، دورنمای جامعه مهدوی در معارف اسلامی این است که در آن جامعه اولاً، معنویت جزء ارکان اساسی جامعه است و اصولاً جامعه مهدوی بر محور عبودیت و بندگی خدای متعال شکل گرفته است و ثانیاً، در پرتو این معنویت و عبودیت در جامعه، عدالت و رفاه محقق می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های عصر ظهور، تجلی ولایت ولی‌الله است؛ زیرا اساساً چیزی در عرض ولایت ولی خدا بر روی زمین وجود ندارد. بنابراین، وقتی ولایت او محقق می‌شود؛ نفوس بشری آن ولایت را می‌پذیرند و مناسبات اجتماعی بر محور آن ولایت شکل می‌گیرد، طبیعی است معنویت، عدالت، رفاه و امنیت در قالب‌های خاصی که با همان جریان نور متناسب هستند، محقق می‌شود؛ زیرا شکل‌گیری همه مناسبات بشری، بر محور تقواست؛ نه بر محور هوا و به تعبیر دیگر بر محور ولایت ولی‌الله است و نه بر محور اولیای طاغوت. در جامعه مهدوی، عدالت با عبودیت و ولایت الهی متناسب است. به تعبیر دیگر، هرگاه مناسبات ولایت خدای متعال در جامعه‌ای اجباری شد و همه روابط اجتماعی متناسب با بندگی خدای متعال شکل گرفت، جامعه مهدوی

تحقق یافته است.

از بین رفتن موانع بیرونی هدایت (از بین رفتن ظلم و ظالمان)

تاریخ نشان می‌دهد یکی از علل رویارویی افراد در برابر حقیقت، به استغضاف کشیدن فکری و اقتصادی مردم توسط مستکبران بوده است. یکی از راهبردهای عملیاتی در بسط هدایت عامه، از بین رفتن این موانع بیرونی است. به عبارتی استکبارستیزی، برخلاف تصویری که گاه رواج می‌گردد، در جوهر معارف مهدوی قرار دارد. مهدی عجل الله تعالی فرجه برای تحقق حاکمیت الله، با حاکمیت طاغوت و شیطان که تجلی آفاقی آن مستکبران و ظالمان است، مبارزه می‌کند و آن‌ها را در مجموعه مبارزات ابتدایی قیام خود از میان برمی‌دارد.

ظلم و ظالمان در جامعه، گاه بی‌دینی و و رویارویی با حقیقت را به عنوان یک علت مُعده موجب شده‌اند و به عنوان یک مانع بیرونی پیشروی هادیان و مصلحان اجتماعی بوده است. در الگوی پیشرفت اسلامی، نیز باید این تقابل به شکل پرنرنگی دیده شود و هویت و شاکله انقلاب اسلامی در چالش با مستکبران جهان تبیین و تعریف گردد.

بر اساس اعتقادات شیعیان، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه هیچ کس را به اجبار شیعه نمی‌کنند. بلکه ایشان موانع بیرونی هدایت را از بین می‌برند. این راهبرد در ایجاد عدل بسیار خودنمایی می‌کند. برای مثال ایشان به جنگ سفیانی می‌روند، او که مانع هدایت است.

۴-۳-۴ احیای دین

یکی از مهم‌ترین رویدادهایی در عصر ظهور، ترسیم چهره‌ای نو از دین اسلام است. چهره دین اسلام در عصر ظهور، درخشان، خالص، بی‌پیرایه، به دور از هر گونه جعل و تحریف و خرافه و بر اصل و حقیقت این دین شریف منطبق است؛ لکن بر اثر گذشت تاریخ و وارد شدن انواع پیرایه‌ها و انحراف‌ها در دین، وقتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه به اصلاح و احیای دین اقدام می‌کند، مردمی در آن عصر گمان کنند که او امر جدیدی (دین جدیدی) آورده و بر اساس آیات قرآن به مقابله با او می‌پردازند. اینان برداشت غلط خود را از دین، برداشت منطبق با اصل حقیقت تلقی می‌کنند. این انحراف از دین تا قبل از دوران ظهور تا حدی است که در روایات فراوانی آمده که مهدی عجل الله تعالی فرجه آورنده کتاب و سنت جدید و یک امر جدید است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه در باب احیای دین به دست امام عصر علیه السلام این چنین می‌فرمایند:

هنگامی که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند، او امیال نفسانی را به هدایت بر می‌گرداند و هنگامی که دیگران قرآن را بارأی خود تفسیر کنند، او آرا و افکار را به قرآن بازمی‌گرداند. او به مردم نشان خواهد داد که چه نیکو می‌توان به عدالت رفتار کرد. او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده می‌سازد. بنابراین مراد تعبیری چون تعبیر امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: «هنگامی که قائم ظهور کند، شیوه‌های نو و کتاب جدید و روش‌های تازه می‌آورد و در قضاوت روش جدیدی دارد» (نعمانی، ۱۳۷۶: ۸۵)؛ آن خواهد بود که او احیای دین خاتم انبیای الهی است. او به سان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که جاهلیت را ویران ساخت؛ یک بار دیگر بر جاهلیت غلبه خواهد یافت.

مولفه‌های جامعه عصر ظهور

۴-۴-۱ عدالت

«عدالت» آرمان همه انبیای الهی و غایت همه مصلحین اجتماعی در طول تاریخ بوده است. برجسته‌ترین خط و وصفی که چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی از جامعه مهدوی شده است؛ آن که عدالت در جامعه مهدوی برپا خواهد شد. بشارت به موعود برای انسان‌ها همیشه مقرون به این پیام و نوید بوده است که او برپاکننده عدالتی گسترده در جهان خواهد بود. مقام معظم رهبری در این باب می‌فرمایند:

شما وقتی در همه روایات که راجع به آن بزرگوار و راجع به آن دوران آمده نگاه می‌کنید؛ می‌بینید اغلب تکیه بر روی این نیست که مردم در آن دوران دیندار می‌شوند - با این که دیندار هم می‌شوند - بلکه تکیه بر روی این است که مردم در آن وقت برخوردار از عدالت می‌شوند و قسط و عدل اقامه می‌شود؛ این مطلب در دعاها و زیارت‌های آن بزرگوار و روایات هست؛ یعنی نقطه برجسته در آن آینده پر از نوید، عبارت است از: عدالت؛ بشر تشنه عدالت است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای دولت، ۱۳۸۶/۶/۴).

در روایات ما نیز همان طور که اشاره شد، دعوت به توحید و مبارزه با شرک و کفر اعتقادی به اندازه ایجاد عدالت و اجرای آن مورد تأکید قرار نگرفته است و آن ریشه در نیاز بشریت در دوران به عدالت و تشنگی او به این گفتمان است (حکیمی، ۱۳۸۱: ۷۸۰).

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مهدی موعود را این چنین به امت خویش بشارت داد:

بشارت باد شما را به مهدی،! بشارت باید شما را به مهدی! بشارت باد شما را به مهدی! او خروج می‌کند، در حالی که اختلاف و زلزله شدید مردم را فرا گرفته است. او زمین را از قسط و عدالت پرمی‌کند، همان گونه که از ظلم و جور انباشته شده بود. قلوب بندگان خدا را سرشار از حالت عبادت و بندگی می‌کند و عدالت او همه آنان را در بر می‌گیرد (طوسی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

عدالت مهدوی دارای گستره‌ای به ابعاد همه ساحات وجود انسان، اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت و ژرفایی ورای امور سطحی و ظاهری است. این گستره و ژرفا چیزی است که در لسان روایات قابل رویت است. بر اساس روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، اولین جلوه عدالت او چنین است:

اولین عدالتی که قائم ظاهر می‌سازد، این است که ندا می‌دهد: افرادی که حج مستحبی انجام می‌دهند، حجرالاسود و محل طواف خانه خدا را در اختیار کسانی که حج بر آن‌ها واجب است قرار دهند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۷۴).

نفوذ عدالت او در اعماق جامعه تا آن جا است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: مهدی، عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می‌شود، وارد خانه‌های مردمان کند و دادگری او همه جا را فرا بگیرد (همان: ۳۶۲).

او به حقوق انسانی و عدالت در رفتار اجتماعی توصیه کرده و در این مسیر اقدام می‌کند. از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام چنین نقل است:

"برده‌ای نمی‌ماند، مگر این که [امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام] او را می‌خرد و آزاد می‌کند. و بدهکاری نمی‌ماند جز این که بدهی او پرداخت می‌شود. مظلومه و حقی بر گردن کسی نمی‌ماند، جز این که به صاحب حق بازگردانده می‌شود. کسی کشته نمی‌شود، مگر این که دیه او را می‌پردازد [او خون بهای کشتگان انقلاب جهانی خود را نیز می‌پردازد و حقوق آن‌ها را تزیع نمی‌کند] و... (همان: ۲۲۴ و ۲۲۵).

او این روند ظالمانه را در جهان بر هم خواهد زد و بر اساس برنامه‌های الهی عدالت را در تمام ابعاد در سرتاسر جهان گسترش خواهد داد. برخی از این برنامه‌های جزئی در روایات اشاره شده که حکایت از چگونگی شیوه امام در بر هم زدن این روابط ظالمانه دارد. یکی از آن‌ها روایتی است از امام باقر علیه السلام:

[هنگامی که قائم قیام کند] راه‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد... و تمام مساجدی که به گونه‌ای مانع ایجاد راه است، خراب می‌کند، و همه دریچه‌ها و پنجره‌هایی که به راه‌ها گشوده شده، یا بالکن‌ها و ناودان‌ها و فاضلاب‌هایی که [در راه‌های عمومی] قرار گرفته است، می‌بندد (همان: ۳۳۳).

اما نکته مهم آن است که مکانیزم برقراری چنین عدالتی در جامعه مهدوی چیست؟ قرآن کریم که از عدالت به عنوان هدف بعثت انبیا یاد کرده، به شکل لطیفی به این پرسش هم پاسخ داده است؛ چنان که در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛
همانا پیامبران را با نشانه‌های آشکار برانگیختیم و با آنان کتاب و میزان فرستادیم تا مردمان به قسط و دادگری برخیزند.

در این آیه هدف انبیا این دانسته شده است که مردمان خود قائم به قسط و عدل شوند نه اینکه آن‌ها عدالت در جامعه از طریق حکومت آن‌ها تحقق یابد. جامعه عادل هدف بوده است، نه عدالت در جامعه.

بنابراین، امام مهدی علیه السلام از طریق تحولات انفسی در جان انسان‌ها که در ادامه به چگونگی این تحول اشاره خواهیم کرد، آنان را بستر ساز حکومت جهانی عدل محور قرار می‌دهد. مردم در جامعه مهدوی در ذیل ولایت ولی‌الاهی به ساز و کارهای عادلانه فردی و اجتماعی از عدالت نایل می‌شوند. بنابراین، ریشه خود این عدالت گسترده در جامعه مهدوی بر اثر تحولات انسان‌هاست و شاید یکی از رموز پرداخت به عدالت به این اندازه در ماجرای مهدویت همین نکته باشد که اساسا تحقق چنین عدالتی در گرو تحولات بنیادین در روحيات و انگیزه‌ها و نگرش‌های آدمی است. در بسیاری از روایات هر جا سخن از عدالت مهدوی می‌شود، از تغییرات روحی در جان آدمیان بر اثر ولایت الهی امام مهدی علیه السلام سخن گفته می‌-

شود؛ چنان که رسول خدا ﷺ فرمودند:

خداوند به وسیله مهدی ﷺ از امت رفع گرفتاری می‌کند. دل‌های بندگان را با اطاعت و عبادت پر می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد (همان، ج ۵: ۷۵).

در روایت مشهور دیگری نیز فرمودند:

مهدی ﷺ قلوب امت محمد ﷺ را از غنا پر می‌کند و عدالت را گسترده می‌سازد (همان: ۹۲).

غنا ی روحی و حالت بندگی و خضوع نسبت به حق تبارک و تعالی با برقراری عدالت در جامعه بی ارتباط نبوده، بلکه اساسا بستر و سبب چنین عدالتی در همین تحولات روحی و عقیدتی ریشه دارد.

امام خمینی رحمته الله علیه در معنای چنین عدالتی از جانب امام عصر عجل الله فرجه می‌فرماید:

آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند - که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد - بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت (صحیفه نور، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۲۰۸).

عدالت به عنوان رسالت تمام انبیای الهی در جامعه مهدوی در تمام ابعاد انسانیت برقرار خواهد شد؛ از سطحی‌ترین معنای از عدالت مهدوی که عدالت اقتصادی است؛ تا ایجاد عدالت در عقل و روح انسان و برطرف کردن انحرافات فکری و عملی انسان این عدالت است که انسان را به پله‌های بالای رشد و کمال می‌رساند.

۴-۲-۴ رشد معنویت و اخلاق

روتن یافتن طاعت و بندگی حق، زدوده شدن کینه‌ها و دشمنی‌ها از قلوب آدمیان، از بین رفتن حرص و طمع و ایجاد روح بی‌نیازی در انسان‌ها، از جمله نمونه‌های ترقی معنوی آدمیان در عصر ظهور است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

زمانی که حضرت مهدی عجل الله فرجه قیام کند، خداوند غنا و بی‌نیازی را در دل بندگان می‌نهد؛ به گونه‌ای که حضرت اعلام می‌کند، هرکس به مال و ثروت نیاز دارد، بیاید؛ ولی برای آن، کسی پیش قدم نمی‌شود (طیسی، ۱۳۸۶: ۲۳۵).



پیام قیام مهدوی رهایی بشر از هواهای نفسانی و رسیدن به معنای واقعی آزادی است. اسیرترین و گرفتارترین انسان‌ها کسانی هستند که اسیر و گرفتار هواهای نفسانی خویش‌اند. پیام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و ارستگی و آزادگی از همه غل و زنجیرهای خودساخته بشری است و در نهایت جامعه مهدوی صحنه بروز این آیه شریفه است که می‌فرماید:

يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛... بار گرانشان را از دوششان برمی‌گیرند و بند و زنجیرشان را می‌گشاید... (اعراف: ۱۵۷).

۴-۴-۳ امنیت در جامعه مهدوی

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نامنی بر جهان چیره گشته است؛ یکی از بنیادی‌ترین کارهای حضرت، بازگرداندن «امنیت» به جامعه است. این گستره امنیت برآمده از تحولاتی است که در خوی و عادات مردم به وجود آمده است. درباره گسترش امنیت در روزگار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه گفته شده است: گرسنگی، گوسفند را نمی‌درد و شیر، گاو را از بین نمی‌برد و مار به انسانی آسیب نمی‌رساند و موش انبانی را نمی‌جود. این تغییر و تحول در خوی حیوانات نیز وارد شده و آنان را از در آشتی با یکدیگر قرار می‌دهد.

امنیت در جامعه مهدوی تا آن‌جا پیش می‌رود که در روایت است یک دختر جوان از شرق جهان به غرب جهان بدون هیچ تهدیدی تنهایی سفر می‌کند و خطری او را تهدید نخواهد کرد و کسی مزاحم او نمی‌شود.

۴-۴-۴ رفاه عمومی در جامعه مهدوی

آنچه از روایات در این زمینه استفاده می‌شود، آن است که بر اثر بهبود وضع اقتصادی، فقر از جامعه بشری ریشه کن شده؛ به گونه‌ای که دارندگان زکات برای رساندن آن به نیازمندان به رنج افتاده و هرچه جست‌وجو می‌کنند، کسی را نمی‌یابند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

زمین گنج‌های خود را بیرون ریخته، آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم با چشم خود آن را بر روی زمین می‌بینند و دارندگان زکات سراغ کسانی می‌گردند که نیازمند باشد تا زکاتشان را به آنان بدهند؛ ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم به

فضل و بخشش خداوند از دیگران بی نیاز می گردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۷).

۴-۴-۵ عمران و آبادانی در جامعه مهدوی

در عصر مهدی عجل الله تعالی فرجه زمین زنده و آباد خواهد شد و شادابی بر همه جوامع بشری حاکم می شود. مهدی عجل الله تعالی فرجه حقیقت شادی را برای جامعه به ارمغان می آورد. دوران حاکمیت او، آغاز یک انقلاب عمرانی گسترده در سطح جهان است. هنگامی به عظمت این آبادانی پی می بریم که میزان ویرانی پیش از ظهور را در نظر بگیریم. جهانی که با انواع آسیبها به طبیعت و عالم به دست انسانها روبرو بوده؛ روی دیگری را مشاهده خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

در زمان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه در روی زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند، مگر آن که آباد می گردد (صدوق، ۱۳۶۳: ۳۳۱).

باران فراوان باریده و خشکسالی ریشه کن می گردد. کشاورزی رونق یافته و زمین هر آنچه برای عرضه دارد ظاهر می سازد. در لسان روایات به این نکته اشاره شده است که طبیعت در عصر ظهور گنجینه ها و ذخایر نهفته در خود را بیرون ریخته و سخاوتمندانه برای انسانها عرضه می دارد.

از حضرت علی علیه السلام چنین نقل است:

زمین آنچه را در اعماق خویش دارد، برای وی بیرون دهد و همه امکانات و برکات خویش را در اختیار او گذارد... (نهج البلاغه: ۴۲۵).

رسول گرامی صلى الله عليه وآله از زندگی در آن دوران به خوشی یاد می کنند و می فرمایند:

امت من در دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه به نعمتهایی می رسند که هرگز مانندش دیده نشده و هیچ مومن یا کافری به چنان نعمتی نرسیده است. آسمان بارانش را پی در پی می فرستد و زمین نیز چیزی از گیاهان را در خود نگه نمی دارد؛ بلکه آن را بیرون می فرستد. (طوسی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

بنابراین پدید آوردن رفاه برای کل جامعه بشری از اقدامات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که خود بر

اثر تحولات انفسی در جان آدمیان و به تبع تحولات در طبیعت حاصل می‌شود

۴-۴-۶ تکامل علوم

از طرف دیگر شاهد شکوفایی دانش و صنعت در عصر ظهور هستیم. از امام صادق علیه السلام در این باب چنین نقل شده است:

علم ۲۷ حرف است و همه آنچه پیامبران آوردند و برای مردم آشکار ساختند، تنها دو حرف آن بوده است و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناختند. هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌کند و در بین مردم نشر و گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و مجموع بیست و هفت حرف را میان مردم منتشر می‌سازد (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۸، ۳۲۶).

علم و دانش در عصر ظهور پیشرفتی خیره کننده می‌کند و دانایی و علم و حکمت، مرزی را نشناخته و به تمام قشرهای جامعه تسری می‌کند. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در زمان حکومت مهدی علیه السلام، به همه مردم حکمت و علم بیاموزند، تا آنجا که زنان در خانه ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۳۹).

گسترش دانش و شناخت اسرار کاینات و عالم وجود، بشر را به سمت فهم بالاتر توحید و یگانگی خداوند در عالم هستی می‌کشاند.

مدل اسلامی پیشرفت با الهام از ویژگی‌های عصر ظهور

تا این جا بخش‌های مختلف مدل اسلامی پیشرفت تبیین و توضیح داده شد؛ اما چیزی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، روابط بین این اجزا است. در مدل ترسیمی زیر این روابط نشان داده شده است: الف) راهبرد کلان زمینه‌سازی، در چارچوب نظری و پیش فرض‌های مدل ریشه دارد؛ از جمله این که ظهور، آرمانی واقعی است، ظهور سرآغازی دیگر بر فرایند تکامل نهایی بشر است و نیز ظهور نشئه‌ای از نشئات تحول آخرالزمانی است.

ب) برای تحقق راهبرد کلان زمینه سازی ظهور، راهبردهای کاربردی ارائه می‌شود.

ج) با عملیاتی شدن راهبردهای کاربردی، بستر برای تحقق مولفه‌های جامعه مهدوی فراهم

می‌شود.

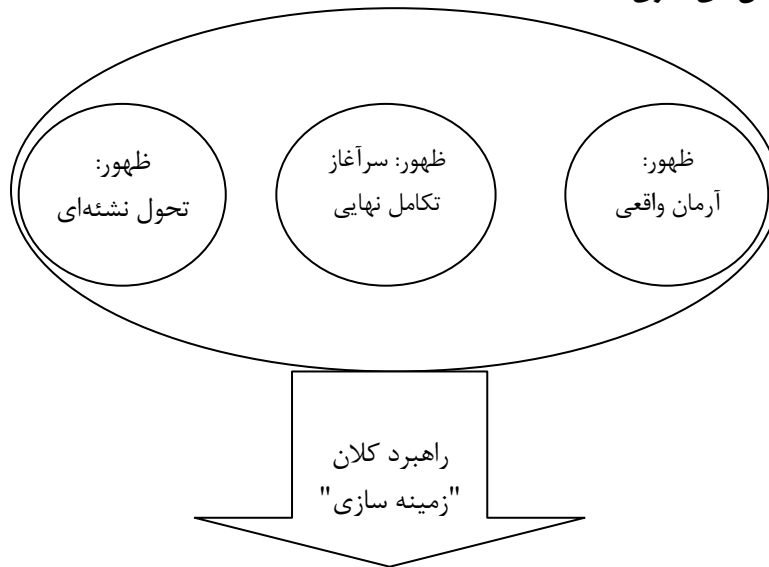


۱۵۰

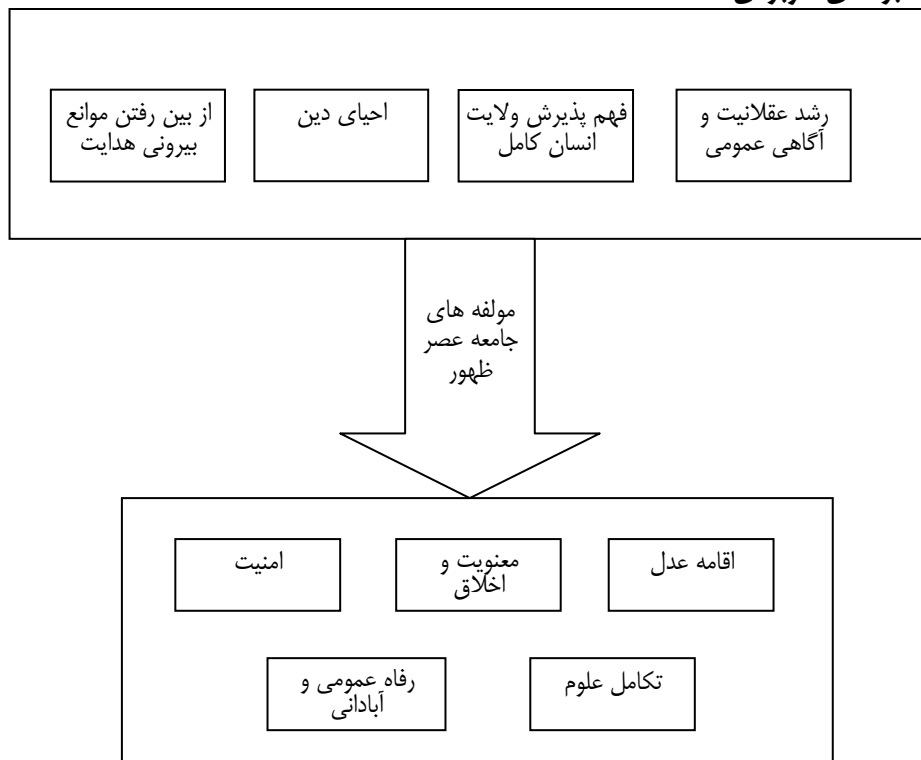
اسرار موعود

سال چهاردهم / شماره ۴۵ / تابستان ۱۳۹۳

پیش فرض های نظری



راهبردهای کاربردی



نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن طرح بحثی در باب چیستی مقوله الگوی پیشرفت، با تتبع در مجموعه منابع دینی و مطالعات کتابخانه‌ای مربوط به جامعه عصر ظهور، به طراحی الگویی مربوط به عناصر جامعه مهدوی پرداخته و دلالت‌های آن را در موضوع الگوی اسلامی پیشرفت نشان دادیم. براساس این الگو، مولفه‌های طرح شده در زمینه جامعه مهدوی ذیل راهبردهای کاربردی طرح گشته که نقشه عمل طرح می‌باشد و به تناسب توجه نظری به آن‌ها در الگوی اسلامی پیشرفت و تحقق آن در عمل، به جامعه مهدوی نزدیک و به راهبرد کلان که زمینه‌سازی است، نزدیک‌تر شده‌ایم و آن، معلول نگاه‌های ما به ظهور است.

بنابراین، باید به جامعه مهدوی نه صرفاً به عنوان جامعه‌ای آرمانی غیر مرتبط با امروز که باید از معارف مطرح شده در زمینه مولفه‌های این جامعه، به عنوان راهبردهای اصلاحی نگاه کرد که ذیل وظیفه ما به عنوان دولت، حکومت و جامعه زمینه‌ساز است. الگوی اسلامی پیشرفت مبتنی بر راهبرد کلان زمینه‌ساز حکومت جهانی مهدوی، به آرمان‌های جامعه مهدوی، به عنوان آرمان‌های خود می‌نگرد و به تناسب ظرفیت و وسع خود در تلاش برای فراهم کردن شرایطی است که موجبات پیشرفت واقعی را از منظر اسلامی که حاکمیت ولی‌الله و انسان کامل است؛ فراهم آورد.

برخی بر این باورند که در جامعه مهدوی جهشی اتفاق می‌افتد؛ اما عده‌ای می‌گویند باید حرکتی طبیعی به سمت ظهور طی شود. آن چه در تأیید اندیشه معتقدان به حرکت طبیعی به نظر می‌رسد، این است که ظاهراً آن چه در عصر ظهور اتفاق می‌افتد، امری مستند به عوامل ظاهری است؛ یعنی عصر ظهور، پدیده‌ای معجزه‌وار نیست که هیچ قواعد طبیعی در آن مراعات نشود و به نظر نمی‌رسد چنین امری، دفعی اتفاق بیفتد. لذا گرچه ممکن است حرکات معجزه آسایی نیز صورت پذیرد؛ جهت‌گیری کلی این حرکات و همه عوامل آن، یک مسیر طبیعی را طی می‌کند. با همین فرض امام خمینی رحمته‌الله علیه با طرح نظریه خود در باب انتظار و اقدام عملی در جهت تشکیل حکومت اسلامی، مبانی زمینه‌سازی و انتظار حقیقی برای ظهور را در انداخت. مبنا و پایه نظری زمینه‌سازی برای ظهور، اعتقاد به مولفه‌های نظریه اختیاری بودن ظهور است. بر این اساس، ما باید به سمت ظهور حرکت کنیم؛ چرا که ظهور رسیدنی است، نه آمدنی. قوم زمینه ساز، قوم و جامعه‌ای است که بر این باور است خود باید شرایط ظهور را فراهم و علل غیبت را برطرف کند. برای زمینه‌سازی ظهور چاره‌ای نداریم جز داشتن تصویری از جامعه‌ای که به دست امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌ه به عنوان جامعه‌ای آرمانی برپا خواهد شد. ارزیابی وضع کنونی خود و یافتن شاخص‌های یک جامعه آرمانی، راه برون رفت از وضع کنونی را به ما نشان می‌دهد.

منابع

۱. قرآن مجید
نهج البلاغه
۱. بابایی، احسان (۱۳۸۷). موعود در نگاه شیعه، قم، کلمه الحق.
۲. بیغامی، عادل، حسینی، محمد (۱۳۹۱). روش‌شناسی الگوهای اسلامی-ایرانی، تهران، مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. حکیمی، محمد (۱۳۸۱). عصرزندگی، قم، بوستان کتاب.
۴. خمینی، روح الله (۱۳۷۹). صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۹۲). مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، تحقیق: ندیم مرعشی، بیروت، دارالکلمات العربی.
۶. رحیم پور، حسن (۱۳۸۸). مهدی علیه السلام ده انقلاب در یک انقلاب، تهران، طرح فردا.
۷. سوزنجی، حسین (۱۳۸۳). مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری، قیسات، سال نهم.
۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۳). انتظار، بایدها و نبایدها، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما و موسسه فرهنگی موعود.
۹. _____ (۱۳۸۸). معرفت امام عصر و تکلیف منتظران، تهران، موعودعصر.
۱۰. شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۴). استراتژی انتظار، تهران، موعودعصر.
۱۱. شفیعی سروستانی، اسماعیل و همکاران (۱۳۸۴). دایرة المعارف موعود آخرالزمان، مأخذشناسی جامع مهدویت، تهران، موعودعصر.
۱۲. صدوق، شیخ محمد بن علی بن الحسین (۱۳۶۳). کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۴۶). تفسیر المیزان، ترجمه محمد تقی مصباح یزدی، قم، دارالعلم.
۱۴. طبسی، نجم الدین (۱۳۸۶). نشانه‌هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب.
۱۵. طوسی، شیخ محمد بن حسن (۱۳۸۳). الغیبه، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمدناصح، قم، موسسه معارف اسلامی.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی (۱۳۸۵). دولت کریمه امام زمان علیه السلام، قم، نشر الماس.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (۱۳۸۹). کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۲۰. مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، معاونت هماهنگی و نظارت فرآیندی (۱۳۹۱).
"چیستی و مفهوم الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نقشه راه و فرآیند طراحی، تدوین،
تصویب و پالایش الگو".
۲۱. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر (۱۳۷۶). الغیبه، تحقیق: علی
اکبر غفاری، تهران، مکتب صدوق.
22. Konow, James, (2003), "**Which is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories**", Journal of Economic Literature, Vol. 41.

منابع اینترنتی

۲۳. سایت دفتر مقام معظم رهبری khamenei.ir
۲۴. پیغامی: عادل و همکاران، (۱۳۹۲)، "درس گفتارهای عدالت اجتماعی دکتر پیغامی"، گروه-
عدالت پژوهی دانشگاه امام صادق علیه السلام، <http://torabzadeh.blog.ir>
۲۵. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، جدول بررسی چگونگی گفتمان عدالت و پیشرفت
در دهه چهارم انقلاب اسلامی"، (۱۳۹۱)، www.edalat1398.blogfa.com.



الناتج المتمخضة على وجود اسس القدوة الإسلامية المتطورة من خلال الإلهام من الخصوصيات والصفات المتوفرة في مجتمع عصر الظهور

حسين الصالحى^١ حسن السرآبادانى^٢ مهدي اليوسفيان^٣

مما لا شك فيه فإن واحدة من العناصر المهمة والمحورية في عملية التحضر هي بيان نوع النظرة بالنسبة الى مقولة وأمر التنمية وتشخيص المسير في تحققها وإنزالها على أرض الواقع ومن هذا المنطلق فقد إهتم المسؤولين والمحققين في السنوات الأخيرة بمسألة القدوة الإسلامية الإيرانية المتطورة كثيراً وجعلوها من اولويات توجهاتهم ولكن وعلى الرغم من وجود القابليات والشروط التي لامثيل لها للرؤية المهدوية في النظام الفكرى الإسلامى وتوفير المقدمات اللازمة والضرورية في طريق الثورة الإسلامية للوصول بها الى الحكومة العالمية للإمام المهدي الموعود عليه السلام فإننا نرى بأن الرؤية المهدوية قد وقعت في دائرة الغفلة وعدم الإكتراث في بلورة وصياغة القدوة الإسلامية المتطورة وقد جرى فى الآيات والروايات الواردة ذكر عدد من الأوصاف والصفات للمجتمع المتطور والمتكامل وعنوانها على إنها من مشخصات المجتمع الذى يحظى بعصر الظهور المبارك. وبالطبع فإن معرفة تلك المشخصات لذلك المجتمع المتكامل والمتطور من المنظار الإسلامى يؤدى بالنتيجة الى طرح وتقديم القدوة المناسبة لحصول التنمية والتطور الذى يتناسب ويتناغم مع الثقافة الإسلامية والرسالة التى تحملها وجاءت من أجلها الثورة الإسلامية وتسعى هذه المقالة الى دراسة الأبعاد والخصوصيات التى تتوفر فى مجتمع عصر الظهور وتبينها على أن يتم الاستفادة منها فى تحقيق الابعاد التى تعمل على حصول التطور الإسلامى فى جميع المناحي وتعتمد هذه المقالة على الاسلوب التحقيقى - الإستدلالي وقد قامت وبعد دراسة الاسناد والمصادر المكتبية والبحث فى مجموعة المصادر والاصواف فى مجال المجتمع المهدوى بتقديم انودج منسجم يشمل الاصول النظرية (الإفتراضات) واستراتيجية مناسبة واستراتيجيات للتطبيق من اجل حصول عملية التطور.

المصطلحات المحورية: قدوة التطور، مجتمع عصر الظهور، المهدوية، المجتمع المنتظر، استراتيجية الإنتظار.

١. طالب فى مرحلة الماجستير فى قسم العلوم الإسلامية والإشراف التجارى فى جامعة الإمام الصادق عليه السلام فى طهران .
٢. طالب فى مرحلة الماجستير فى قسم العلوم الإسلامية والإشراف التجارى فى جامعة الإمام الصادق عليه السلام فى طهران .
٣. طالب فى المرحلة الرابعة (الدراسات العليا) فى الحوزة العلمية فى قم المقدسة .

١٤٠
اسطر موعود

سال چهاردهم / شماره ٤٥ / تابستان ١٣٩٣